

و بعد، یگانه را به زندان بردند. زندان سپیدار اهواز.

فر خنده و مهديه هم گرفتار همين مشكل بودند و حالا توانسته‌اند «رای باز» شوند تا شاید بتوانند بدهی شان را بدهند. «رای باز»، امکانی است که به بعضی محکومان می‌دهند. «اگر یک‌نهم محکومیت را بگذرانی، می‌توانی رای باز شوی.» این را یک زن زندانی قدیمی می‌گوید. شراره می‌گوید اخیراً این امکان را به محکومان مالی هم می‌دهند. «خب وقتی محکوم مالی، بیرون است می‌رود کار می‌کند، با شاکي صحبت می‌کند. خیلی از این زن‌ها چون در زندان دسترسی به شاکي‌هايشان ندارند. عموماً شکات جواب‌تلفن‌شان را نمی‌دهند. کاش زندان حمایتی کندو شاکي‌های آنها را صدا کند به شورای حل اختلاف. این شورا صحبت کند با شاکي‌ها، رضایت بدهند یا بپذیرند، شاید بتوانند بیرون بیایند، درآمدی پیدا کنند و بتوانند بدهی‌شان را بدهند. این البته بدهی‌های خودش را هم دارد. آنقدر بیگاری از رای بازها می‌کشند. صبح از ۷ تا ۵ عصر باید بروند، خسته و خمیر می‌رسند خانه، وقت ندارند که بروند کار دیگری کنند بدهی‌شان را بدهند. دو میلیون تومان هم حقوق می‌دهند به‌شان. از نظرم باید زمان کاری‌شان کم شود به شرطی که بتوانند شاکي‌شان را راضی کنند. خیلی از این زنان چون پول رفت و آمد به محل کارشان را ندارند، برمی‌گردند زندان. رای باز شدن با نظر قاضی است. قبلاً برای مالی‌ها خیلی کم داشتیم ولی الان می‌گویند به شرط اینکه رضایت‌شاکي را بیاوریم، رای بازی برای موادی‌ها زیاد است چون شاکي خصوصی ندارند.»

شراره می‌گوید از زمان پاندمی کرونا به بعد، شکست در کسب و کار و زندانی شدن زنان بیشتر شد و بعد از آن تورم و افزایش شکست‌های مالی: «یکی بود غذای خانگی زده بود با کلی چک و سفته، خب در کرونا کسی از بیرون غذای نمی‌خرد و افتاد زندان اما به تازگی آزاد شد. الان کلاهبرداران تعدادشان با محکومان مالی در زندان فر چک تقریباً یکسان است. قبلاً یک سالن محکومان مالی داشتیم، الان دو تا داریم. این نشان می‌دهد وضعیت اقتصادی آنقدر بد شده که تعدادشان زیادت‌ر شده. الان دلار که کشیده بالا، بیشتر هم شده بدهی‌شان. برای این‌ها تاخیر و تعبیه حساب می‌کنند؛ یعنی بهره بدهی را رویش می‌کشند. مثلاً می‌گویند تو دو سال پیش بدهی‌ات این قدر بوده، با پول امروز می‌شود آبه اضافه ۱۰. خب وقتی زندانی داخل زندان است، چطور برود کار کند بتواند بدهی‌اش را صاف کند. کاش قضات همکاری بیشتری می‌کردند و به آنها پایند بدهند تا بروند کار کنند و بدهی‌اش اضافه بدهند. زندانی مالی هر روزی که در زندان است به بدهی‌اش اضافه می‌شود. خودش داخل است بیرون هم کسی را ندارد که حمایتش کنند. قضات می‌گویند ما می‌خواهیم پایند بدهیم اما شاکي‌ها راضی نمی‌شوند. در حالی که اگر این زندانیان بیرون باشند حداقل می‌توانند کار کنند بدهی خود آنها را بدهند.»

بیشتر شدن محکومان مالی زن را محمدهادی جعفرپور، وکیل دادگستری هم در گفت‌وگو با «هممیهن» تأیید می‌کند: «هن فکر می‌کنم آمار زندانیان مالی زن بنا بر تجربه و پرونده‌هایی که خودم داشتم، از زمان کرونا بیشتر شد. اگر در دوره قبل از کرونا یکس تعداد زنان ما در فعالیت‌های اقتصادی به طور مستقل، فعالیت داشتند، این تعداد بعد از کرونا به واسطه مردانشان چندبرابر شد. آن هم به دلیل شرایط بحرانی کرونا بود، چون اکثریت بازاری‌ها و فعالان اقتصادی دچار رکود شده بودند، چک‌هایشان برگشت خورده بود و در ادای دین دچار مشکل شده بودند و بنابراین زنان در کنار مردان وارد بازار شدند و با اسناد تجاری مثل چک و سفته درصدد جبران دیون و بدهی همسران‌شان شدند، همین موجب شد که آنها هم درگیر پرونده‌ها و محکومیت‌های مالی و در نهایت حبس شوند. باوجود این ضرورت که لازم است دستگاه قضایی درباره دلایل این افزایش پرونده‌های مالی، پژوهشی انجام دهد اما تا امروز من آمار و پژوهش درستی در این باره ندیده‌ام که دلایل اصلی چیست.»

به اعتقاد او یکی دیگر از مشکلات محبوس شدن زنان در پرونده‌های مالی را به دو موضوع می‌شود ربط داد: «یکی نبود باور جامعه به اینکه زن فریب خورده است؛ غالباً حرف او را قبول نمی‌کنند، اینکه او درصدد کمک به یک مرد مثل همسر و برادر و دوست و پدر بوده است؛ اینجا نگاه مردسالانه غلبه پیدا می‌کند که او می‌خواسته خودش را به رخ بکشد. دلیل دیگر هم نوع نگاه احساسی است که به حضور زنان در بازار می‌شود. نکته مهمتری که در کف بازار می‌شنویم این است که چه معنی می‌دهد زن در بازار کار کند، سفته دهد، چک دهد. من موارد زیادی را شاهد بودم که زن برای گرفتن خانه بهتر برای فرزندان‌ش به همسرش پیشنهاد می‌دهد و مرد می‌گوید خودت بر قرارداد ببند، زن این کار را می‌کند و چک می‌دهد و وقتی موعد اجاره‌ها می‌رسد و زن نمی‌تواند چک‌ها را پاس کند، مرد می‌گوید خودت خواستی و من همان موقع گفتم که توانایی‌اش را ندارم و از این طریق از زن حمایت نمی‌کند.»

این وکیل دادگستری می‌گوید که علت دیگر این است که هنوز در جامعه ما مرد را نان آور خانه می‌دانند و اگر خت‌ری هم بخواهد زندانی‌ای را آزاد کند می‌گوید من مرد نان‌آور را می‌خواهم آزاد کنم و همین نگاه جنسیتی باعث می‌شود کمک‌هایی که به سمت محبوسان مالی می‌رود بیشتر به سمت مردان باشد و به همین دلیل تعداد زمانی که زنان مالی در زندان‌ها می‌مانند از مردان بیشتر است: «البته در بعضی جمعیت‌های حمایتی، مبلغ بدهی مهم است و نگاه جنسیتی وجود ندارد اما کلاً این مشکل وجود دارد و نیازمند پژوهش است. ما شاهدیم که زنان دوشادوش مردان و حتی بهتر از مردان کار می‌کنند اما همچنان در جامعه گفته می‌شود مرد نان‌آور خانواده است؛ ما خانواده‌های زیادی داریم که زن بخش بزرگی از بار مالی را تأمین می‌کند اما به عوض کمک به آنها با نگاه ناپایمن و شک و تردید به او نگاه می‌کنند و وقتی چک‌های زنان برگشت می‌خورد، می‌گویند حقش بود، ما گفته بودیم این عرصه مردانه است و حالا باید تاول‌شان را بدهد.»

تاوان دادن اما سخت است. تاوان ناحق دادن سخت‌تر.

از زنان اینطوری شده که مشکلاتشون زیاد شده.»

«بیشترین مشکل زنان محکوم مالی چیه؟

«بین‌اگه مردان‌دانی بشن، انقدر از طرف خانواده بهشون فشار نمید که به زن‌ها میاد. میگن زندون برای مرده، نه زن. بیشتر این زن‌ها خرجی ندارند. من خودم کسی بودم که خرجی نداشتم و بافتنی می‌کردم و خرج خودمو درمی‌آوردم. واقعاً نداشتم. خانواده من رو حمایت نمی‌کرد، چون رفته بودم زندان. مادرم اولین نفری بود که گفت برو اونجا ادب شو. نوی سن ۴۵ سالگی می‌خواست منو ادب کنه. همه‌ش از سر‌نداره دیدگه، طرف می‌خواسته دخترشو شوهر بده ولی پول نداشته چیزیه بده، یک جاسفته گذاشته و پول گرفته. فکر می‌کرده کار کنه، میتونه پیش بده اما نتونسته و افتاده زندون. اونقدر زندونی بابت ۵۰ میلیون، ۳۰ میلیون، ۲۰ میلیون داشتیم. یکی می‌خواسته چیزیه بخره، یکی می‌خواسته حلقه بخره، یکی سفته گذاشته بوده ولی نتونسته بود پول رو برگردونه و به زندان افتاده. شوهرها هم عرضه نداشتم که اونارو بکشن بیرون، صبر می‌کردن که خبرین کمک کنن.»

«از سال ۹۵ تا الان، فکر می‌کنی اوضاع اقتصادی باعث شده زندانی‌ها زن با هر محکومیتی، بیشتر شده باشن؟

«بله خیلی. تعداد خیلی بیشتر شده. سالی که من رفتم زندون، ۶۰۰ نفر بودیم، سال بعد ۹۰۰ نفر شدیم، سال بعد ۱۴۰۰ نفر، سال بعد ۱۶۰۰ نفر شد. تا جایی که من بودم اینطوری شد. زندان زیر هزار نفر نمیشه.»

تعداد زیادی از وکلا، این حرف‌ها را تأیید می‌کنند؛ نمونه‌اش سارا باقری، وکیل دادگستری که پرونده‌های مالی زیاد داشته. او به «هممیهن» می‌گوید: «با توجه به تجربه‌هایی که من در پرونده‌ها داشتم و رویه قضایی دادگاه‌ها، تعداد زنان درگیر در جرایم مالی در سال‌های اخیر افزایش پیدا کرده است. هر چند این افزایش به صورت رسمی و با آمار شفاف‌ای اعلام نمی‌شود. یکی از دلایل این افزایش آمار زندانیان مالی زن، فشار و بحران اقتصادی است که روی زنان به‌ویژه زنان سرپرست خانوار وارد شده است. این زنان به طور مستقیم وارد چرخه تبعات مالی شده‌اند و برای تأمین معیشت و پرداخت اجاره‌بها، تحصیل فرزندانشان یا درمان و امور پزشکی، مجبورند در این فرایند‌ها وام بگیرند یا چکی صادر کنند. این کارها برای این زنان مسئولیت و تبعات کیفری دارد.»

اومی‌گوید که بخش دیگری از زنان به واسطه تحصیلات بالاتری که دارند سعی کرده‌اند در چرخه اقتصادی و تجارت وارد شوند و در پروسه‌های اقتصادی و شرکت‌های تجاری که با خودشان تأسیس کردند یا اعضای هیئت مدیره‌شان بوده‌اند، مسئولیت‌های حقوقی سنگینی را در چنین مواردی بر عهده بگیرند: «متأسفانه این زنان آموزش و اطلاعات حقوقی کافی هم در این زمینه ندارند و وقتی شرکت‌ها دچار بدهی‌های سنگین مالیاتی یا امور بیمه‌ای می‌شوند، مسئولیت مستقیم امور مالی شرکت بر عهده زنی خواهد بود که دارنده حق امتضا بوده است و تبعاتش گریبانگیرش خواهد شد. اگر این زنان نتوانند از پس تبعات حقوقی بر بیایند مشمول مجازات‌های کیفری خواهند شد. زنان زندانی‌ای الان در زندان‌ها هستند که موقعیت اقتصادی بالایی داشته‌اند اما به دلیل نداشتن آگاهی کافی حقوقی، مسئولیت‌های سنگین شرکنی را بر عهده گرفته‌اند و مجازات حبس یا سایر مجازات‌ها برایشان در نظر گرفته شده است.»

از نظر باقری، یکی دیگر از دلایل افزایش زندانیان مالی زن، امضا کردن اسناد مالی به نفع مردان خانواده‌هایشان است. این زنان به دلیل این امضاها دچار مسائل حقوقی و قضایی می‌شوند.

این زنان معمولاً به دلیل درخواست پدر، همسر یا برادر چک یا سفته و ضمانت را امضای می‌کنند و بعد از اینکه چک یا اسناد تجاری وصول نمی‌شود، طلبکاران مستقیماً به سراغ آن زنی می‌روند که این اسناد را امضا کرده است. با وجود اینکه مردان بدهکار واقعی‌اند، آنها معمولاً متواری می‌شوند یا به زندان می‌افتند. اینکه مسئولیت‌های حقوقی از طرف مردان خانواده بر گردن زنان می‌افتد، به این دلیل است که مردان فکر می‌کنند چون زنان اغلب سابقه کیفری ندارند و به دلیل جنسیت‌شان امکان دارد سیستم قضایی با ملاحظه بیشتری با آنها برخورد کند: «در رویه قضایی اموالقی برای شخصی مورد حقوقی پیش می‌آید، قاضی نگاه نمی‌کند که فرد مرد است یا زن. زنان در اصل سپر مالی مردان می‌شوند اما احکامی که از سوی مراجع قضایی صادر می‌شود، باید کاملاً مطابق قوانین و موازین باشد و ملاحظه‌ای در کار نیست. مثلاً در پرونده‌ای که دختر ضامن پدرش می‌شود تا وام بگیرد، وقتی پدر فوت کند کلیه بدهی‌ها به آن دختر محول می‌شود و او باید از پس این بدهی‌ها بر بیاید و اگر نتواند باید حبس تحمل کند. پرونده‌هایی وجود دارند که زنان صاحب کارگاه‌های کوچکی‌اند و اگر در این دادگاه حادثه‌ای ایجاد شود و کارگاه ایمن نباشد، مسئولیت کیفری متوجه کارفرما که آن زن است، می‌شود. متأسفانه زنان زندانی به دلیل اینکه در تأمین وثیقه ناتوانند یا اموالی برای خودشان ندارند و پروسه قسط‌بندی طولانی می‌شود، مجبور می‌شوند زمان طولانی‌تری را در زندان باشند. از طرفی شبکه حمایتی مستقلی برای آنها وجود ندارد و سال‌های متمادی در زندان می‌مانند. امیدوارم با اصلاحیه جدید بر قانون مربوط به ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که قرار است برای محکومیت‌های مالی پایند الکترونیکی بیشتر در نظر گرفته شود و زندان حذف شود، برای زنان هم اجرایی شود و شاهد کاهش حضور زنان در زندان باشیم.»

▼ **مانده، یگانه، فر خنده و مهديه چند محکوم مالی‌اند**

مانده ۳۵ ساله بود که به زندان افتاد. زندان شهید. شوهرش یک سال قبل، رایش دسته چک گرفته و یادش داده بود چطور آنها را بنویسد. بعد همان چک‌ها را برگشت زد و با زن جوانتری فرار کرد. داستان یگانه هم مشابه بود. او یک زن خانه‌دار بود که همسرش به نامش دسته چک گرفت، در کسب و کارش چک بی‌محل کشید



محمد هادی جعفرپور وکیل دادگستری:

آمار زندانیان مالی زن بنا بر تجربه و پرونده‌هایی که خودم داشتم، از زمان کرونا بیشتر شد. اگر در دوره قبل از کرونا یکس تعداد زنان ما در فعالیت‌های اقتصادی به طور مستقل، فعالیت داشتند، این تعداد بعد از کرونا به واسطه مردانشان چندبرابر شد. آن هم به دلیل شرایط بحرانی کرونا بود، چون اکثریت بازاری‌ها و فعالان اقتصادی دچار رکود شده بودند، چک‌هایشان برگشت خورده بود و در ادای دین دچار مشکل شده بودند و بنابراین زنان وارد بازار شدند و با اسناد تجاری مثل چک و سفته درصدد جبران دیون و بدهی همسران‌شان شدند

دانشجویی برای دانشجویان شبانه خارجی بودند. همه کارخوان‌ها به نام فرزانه بود و پول‌هایی که می‌آمد همه به حساب او می‌فت اما کارت بانکی‌اش همیشه دست همسرش بود. برای همین هم بود که وقتی به سر همسر فرزانه زد که با همان پول‌ها در کاری دیگر سرمایه‌گذاری کند و ورشکست شد، همه گفتند پول‌ها را به حساب فرزانه ریخته‌اند و حالا هم آن را از او می‌خواهند. همه پول‌ها رفت و فرزانه ماند با یک عالم بدهی. او باید تاوان یک میلیارد و ۷۰ میلیون تومان را می‌داد. آن زمان نداشت و او را به زندان بردند. بعدها توانست با کمک ستاد دیه، همه بدهی را بدهد اما چهار نفر از شکات گفتند خسارت تاخیر پول‌شان را می‌خواهند.

«دانشجوی‌های ساکن خوابگاه، اجاره‌اشونو به رهن تبدیل کرده بودن، بعد پول رهن‌ها رو همسر تبدیل به سرمایه‌گذاری کرد، سرمایه‌گذاری ناچوری هم کرد، نتونست، موفق نشد، به هر دلیلی، خودش هم سه میلیارد بدهی بالا آورد و ما از هم جدا شدیم. بعد از سه سال دیدیم شکایت شد که خانم شما بدهکاری، رفتیم دیدیم دستبند زدن و ما رو بردن داخل. بدهی، اول ۱۱ میلیون بود که یک نفر رفته بود شکایت کرده بود. بعد دیدیم همه با متحد شدن، اون سال ۳۵۰ ۳۰۰ میلیون بدهی بود. دیگه پول پیش خونه خودم و گوش‌ی و همه چیزو فروختم، ولی نرسید. من بودم و خودم و دو بچه بیچاره و بدبختی که هیچ‌کسی رو نداشتن. فک و فامیل هم زیاد داریم، ولی هیچ‌کس کمکم نکرد. هیچ‌کس کنارم نبود. هنوز که هنوزه خودم دارم جور کارامو می‌کشم، خودم کارامو جمع می‌کنم؛ یعنی اینجوری نیست که فکر کنید کسی رو دارم، پشتوانه‌ام خداست و خودم.»

«چرا پرونده‌ات اینقدر طول کشیده؟

«چون وقتی دستت خالی‌ه و صفر هستی، در انجمن‌های حمایتی سلیقه‌ای عمل می‌کنن. من هم اهل کارای خاص نیستم. اینه که فلانی با هفت میلیارد بدهی آزاد شد، فلانی با ۱۳ میلیارد آزاد شد، من با ۲۵۰ میلیون نتونستم. بعد هم که بهم تحصیل و تعبیه زند و رسید به یه میلیارد و خرده‌ای. حالا هم ۹ ماهه که اومدم مرخصی. غیبت هم کردم اما نتونستم کاری پیدا کنم. پرستاری بچه. هر جا رفته به خاطر سوءسابقه بهم کار ندادن. الان دارم کار می‌کنم و پولامو جمع می‌کنم که بتونم بقیه بدهی رو بدم.»

«چچه‌ها می‌شدن؟

«الان خونه بچه‌هام زندگی می‌کنم. چون نه حسابم بازه، نه می‌تونم وام بگیرم. بچه‌هام هم با بدبختی ازدواج کردن و رفتن و من موندم که گاهی پیش این بچه‌ام و گاهی پیش آن یکی بچه، آواره. اون موقع که زندانی شدم، بچه‌ها ۱۴ و ۱۹ ساله بودن. بچه‌های خیلی از هم‌بندام رو هم به‌بهریستی دادن، خانواده‌هاشون بچه‌ها رو گردن نگرفت. بچه‌های من هم خیلی زود به خاطر همین زندانی شدن من، ازدواج کردن، ازدواج‌های ناموفق. بچه‌هایی که توی پر قو بزرگ شده بودن، مجبور شدن برای اینکه تلنگر اجتماعی نخورن، ازدواج کنن تا سقفی بالای سرشون باشه. اونا آسیبهایی دیدن که نباید می‌دیدن. یکی از آسیبه‌هاش ازدواج با آدم عوضی و بدبرندخو بود. هر دو دخترن. الان یکی شون ۲۹ سالشه و اون یکی ۲۴ سال. وقتی افتادم زندون، دخترم در سالن آرایشی کار می‌کرد و خرج خواهر کوچکشو هم می‌داد. سال اول دختر بزرگم نامزد بود، بعد سال اول تموم نشده بود، دختر کوچکم با یه آدم به دردبخور ازدواج کرد، اونقدر تنگ می‌خورد که حد نداشت. منم توی اولین مرخصی که اومدم ازش حمایت کردم و بعد از شش ماه طلاقشو گرفتم. الان دوباره ازدواج کرده و این بار بد نیست، پارسال بعد از هفت سال ازدواج کرد. من ۹ ساله که درگیر پرونده‌ام. پدر و حامی نداشتم که هیچ حمایتی از جایی نشدیم. خانواده‌های ما هم زندان رفتن رو بد می‌دونن. آن «بد» دانستن هم از هر چیزی بدتر است.»

«بقیه هم‌بندی‌ها تم حمایت خانوادگی ندارند؟

«معمولاً نه. بیشتر این زن‌ها حبس مردان خونواده رومی‌کنش؛ یعنی همسر و پدر و برادر. همیشه پای یک مرد در میان است. هر جایی که می‌بینید یک زن آسیب دیده، اول از یک به‌دیده، بعد یک زن پشت آن بوده. این زن‌ها بیشتر جور شوهر و برادر و دوست‌پسرشونو کشیدنه. من کمتر کسی رو دیدم که اختلاس و کلاهبرداری کرده باشه. از ۱۰۰ نفر، دو نفر بودن که خودشون کلاهبرداری کردن؛ مثلاً خانمی بود که خودش کارمند بانک دویی بوده و از طریق یک هندی در بانک ملت ۸۶۰ میلیارد اختلاس کردن. مدیرعامل بانک ملت دو سال حبس کشیده اما فکر کنم اوتا ابد حبس بکشه، ۸۶۰ میلیارد رو باید بده دیگه. یک زن دیگه هست که سلطان سکه بوده که با شوهرش کار کرده، خودش اعدای بودن، الان شدند ابد. شوهرش توی اوینه و خودش فر چک ورامین. یک زن دیگر هست، که کارمند ارتباطات همراه اول بوده، با مردی ازدواج می‌کنه که اختلاسگر بوده و از حساب‌های زنش استفاده کرده. حدود ۱۰۰ میلیارد جابه‌جا کرده و بعد خودش رو با گاز هلیوم کشته. آن زن هم سه سال زندانی کشید و بعد ثابت کرد که خیلی جاها نبوده؛ چون پسره از سال‌ها پیش خلافاکار بوده و خودش خودکشی کرد و این زن رو به دردرس انداخت. خیلی اختلاس‌های بزرگ داشتیم. بیشتر این زن‌ها هم وقتی میفتن زندون، شوهراشون طلاقشون میدن. فکر کنم از هر ۱۰ زن، هفت نفرشون به خاطر اینکه زندون افتادن، یا طلاق گرفتن یا طلاقشون دادن.»

«بدهکارهای با مبلغ کمتر وضع‌شان چطوره؟

«خیلی از این اتفاق‌ها از بی‌سوادی و جهله. ما سواد اجتماعی پایینی داریم که این اتفاق‌ها برامون می‌افته. مثلاً بیشتر زن‌ها قرض الحسنه خانگی می‌دارن، این پول میاد به خونه و بچه‌ها و شوهرها برمیدارن خرج می‌کنن. من ۲۰ نفر رو توی زندون دیدم که قرض الحسنه خانگی برگزار کرده بودن، پول پنج نفر اول را داده بودن و بعد طرف مفقود شده و وامشو که گرفته، دیگه قسط نداده. شما ۵۰ نفر رو جمع می‌کنی، همه ماهی دو میلیون می‌دن، وامش میشه ۱۰۰ میلیون، طرف وامشو می‌گیره دیگه قسطشون نمی‌ده، بعد دو سه نفر که این کاررو انجام میدن، طرف متضرر میشه. خیلی

خبر سازان



افزایش ۴۲ درصدی تصادفات فوتی

عباس معظمی‌گودرزی، معاون هماهنگ‌کننده پلیس راهور تهران اعلام کرد که در مقایسه با سال گذشته، تصادفات خسارتی ۱۳ درصد، جرحی ۱۱ درصد و فوتی ۴۲ درصد افزایش داشته است. به گزارش ایسنا، معظمی‌گودرزی در توضیح بیشتر این خبر گفت: «امسال ۲۹ هزار تصادف خسارتی و شش هزار تصادف جرحی رخ داد متأسفانه امسال، ۴۲ درصد افزایش تلفات تصادفات در بزرگراه‌ها را شاهد هستیم و ۵۹ درصد تصادفات فوتی و ۳۲ درصد از تصادفات جرحی در همین بزرگراه‌ها رخ می‌دهد.» به گفته او، علت تصادفات در طول روز بیشتر توقف در کنار بزرگراه‌هاست، اما در شب‌ها از ساعت ۲۳ تا ۳ بامداد، سبقت و سرعت غیرمجاز از جمله عوامل تصادفات بزرگراهی است.



رتبه ۴۴ ایران در نیروی انسانی

مهدی ابطلی، معاون پژوهشی وزارت علوم با اعلام رتبه ۴۴ ایران در نیروی انسانی، گفت: «جایی که رتبه ما را پایین‌تر می‌برد، حمایتی است که از این نیروی انسانی باید صورت بگیرد.» به گزارش خبر آنلاین، ابطلی در توضیح بیشتر این خبر گفت: «در زمینه تولیدات علمی مکتوب، رتبه ۱۶ تا ۱۷ را در جهان داریم. در زمینه نوآوری هم رتبه ۷۰ دنیا را داریم. جالب این است که رتبه‌بندی‌ها، ملاک‌های مختلفی دارند. رتبه ایران در نیروی انسانی، رتبه ۴۴ دنیاست.» به گفته او، در کاهش رتبه علمی ایران سه عامل مهاجرت، کاهش میزان حمایت از پژوهشگران و روابط بین‌الملل اثرگذار است: «شاید بیش از هزار نفر از اساتید و پژوهشگران ایران در پنج‌سال اخیر از کشور مهاجرت کردند.» او معیشت اساتید و محدودبودن امکانات پژوهشی را از جمله علل مهاجرت قشر فرهیخته علمی دانست و درباره لزوم تجهیز دانشگاه‌های علوم انسانی به آزمایشگاه گفت: «علوم انسانی اجتماعی هم نیازمند آزمایشگاه‌های تحقیقاتی و سروهای خوب است و به‌نظرم حتماً باید در این زمینه کار کرد.»



محرومیت امدادگران از آیین‌نامه ایثارگری

باقر سیدباقری، مدیرکل پذیرش و امور اداری ایثارگران بنیاد شهید اعلام کرد، امدادگران و آتش‌نشان‌ها مشمول آیین‌نامه ایثارگرایان بنیاد شهید نمی‌شوند و فقط یگان حفاظت محیط‌زیست در شرایط خاصی اگر اتفاقی رخ دهد، مشمول آیین‌نامه ایثارگران می‌شوند. به گزارش ایلنا، باقری در پاسخ به پرسشی درباره امدادگری که به‌تازگی حین مأموریت در سیل جهرم، جان خود را از دست داده، گفت: «آیین‌نامه‌های ایثارگری بیشتر ناظر بر نیروهای مسلح و افرادی است که در حوادث خاصی مانند بمباران یا اقدامات تروریستی جان خود را از دست می‌دهند. پرونده نیروهای امدادگری که جان خود را هنگام مأموریت از دست داده‌اند، در سازمان مدیریت بحران استانداری‌ها، طبق آیین‌نامه «فداکار خدمت» که مصوب شده، بررسی می‌شود.»